

تبیین نقش دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: بهاباد استان یزد)

سیدسعید هاشمی* - دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

سیدحسن مطیعی لنگرودی - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

مجتبی قدیری معصوم - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

محمدرضا رضوانی - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

سیدمحمد مقیمی - دانشیار دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۲/۷

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۸/۱۷

چکیده

امروزه یکی از راهبردهای مؤثر در توسعه همه‌جانبه و خودپایدار نواحی روستایی، استفاده از مشارکت و توانمندی‌های مردم، به‌ویژه روستاییان برای عمران و توسعه مناطق روستایی در تمام ابعاد آن است. مهم‌ترین ابزار نیل به این مقصود تشکیل نهادهای سازمان‌دهی شده غیردولتی است، که براساس نیاز و توانایی گروه‌های مختلف ساکن روستا، در موضوعات متنوع و ضروری محیط بومی و محلی، به منظور اجرای برنامه‌های توسعه‌ای روستاها ایجاد می‌گردد. در سال‌های اخیر، شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها به‌عنوان مدیریت جدید روستاها تعریف گردیده‌اند و دهیاران و شوراهای اسلامی به‌عنوان نهادهای مردمی و محلی که مدیریت روستاها را برعهده دارند، می‌توانند با سیاست‌گذاری، مدیریت و اجرای برنامه‌های مختلف آموزشی، توسعه زیرساخت‌های لازم، کمک به جذب منابع مالی و اموری از این دست، در توسعه کارآفرینی در روستاها نقش اساسی ایفا کنند و زمینه را برای توسعه کارآفرینی روستایی فراهم آورند. تحقیق حاضر از نظر نوع کاربردی و روش انجام به‌صورت پیمایشی بوده و در گردآوری اطلاعات تحقیق از روش اسنادی و میدانی استفاده شده و ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و داده‌های توصیفی و تحلیلی، تجزیه و

تحلیل شده‌اند. جامعه آماری تحقیق شامل روستاییان، کارآفرینان و مسئولان محلی در دهستان‌های بهباد بوده که براساس فرمول کوکران حجم نمونه ۱۴۳ نفر از روستاییان و تعداد ۴۵ نفر از مسئولان، صاحب‌نظران و کارشناسان و ۳۰ نفر از کارآفرینان انتخاب گردیده است. نتایج حاصل از تحقیق نشانگر آن است که دهیاران و شوراهای اسلامی در زمینه توسعه کارآفرینی روستایی عملکرد نسبتاً موفق داشته و از نظر مردم فعالیت‌های کارآفرینان، مسئولان محلی، دهیاران و شوراهای زمین‌های لازم را برای توسعه کارآفرینی روستایی، از جمله زیرساخت‌های کارآفرینی، رفتار و نگرش کارآفرینانه، جذب منابع مالی و اقتصادی و عوامل فرهنگی و اجتماعی فراهم کرده و عملکرد دهیاران و شوراهای در این موارد قابل قبول بوده است و منجر به توسعه کارآفرینی روستایی شده است.

کلیدواژه‌ها: توسعه کارآفرینی روستایی، سازمان‌های غیردولتی، مشارکت مردمی، دهیاری، شورای اسلامی.

مقدمه

فرایند توسعه از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث سرزمین‌ها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است. تحقق پیشرفت و توسعه کشورها مستلزم بهره‌گیری از استعداد و توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنها در مراحل توسعه است، به‌طوری‌که توسعه و مشارکت را اموری در هم تنیده دانسته‌اند، و فرایند توسعه را زمانی با ثبات و موفقیت همراه می‌دانند که با افزایش مشارکت مردم توأم باشد (مقنی‌زاده، ۱۳۸۰، ۴۲).

برای مشارکت مردم در توسعه و افزایش میزان مشارکت آنها روش‌های مختلفی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به تشکلهای و نهادهای مختلف اشاره کرد. با وجود این، مهم‌ترین و اصلی‌ترین شیوه بهره‌گیری از مشارکت فعال و همه‌جانبه مردم در روند توسعه، سازمان‌های غیردولتی هستند که به عنوان بخش سوم^۱ در کنار بخش خصوصی (بازار) و دولت (عمومی) در اداره جامعه نقش دارند (رضوانی، ۱۳۸۴، ۳۷).

امروزه، سازمان‌های غیردولتی در سراسر جهان گسترش چشمگیری یافته‌اند. آنها مشارکت

1. Third Sector

افراد جامعه را در فرآیند توسعه تقویت می‌کنند (سعیدی، ۱۳۸۱، ۷۳). اهداف و کارکردهای گوناگون این سازمان‌ها و تعهد و پافشاری آنان در دستیابی به آنچه که به عنوان اهداف خود برگزیده‌اند، دولت‌ها را برای آن داشته است که با اعتقاد به توان‌مندی و اثربخشی سازمان‌های غیردولتی و درک نقش و جایگاه آنها، بخش‌هایی از مسئولیت‌های خود را خواسته یا ناخواسته به سازمان‌های غیردولتی واگذار کنند. بدین‌منظور سازمان‌های غیردولتی به‌مثابه ابزارهای جدیدی برای جلب مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش اهمیت یافته‌اند. این سازمان‌ها با نقش واسطه‌ای خود میان مردم و دولت حوزه‌هایی از عرصه عمومی را در حیات اجتماعی جوامع تعریف کرده‌اند (قلفی، ۱۳۸۴، ۳۲). این سازمان‌ها، در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، به سبب فارغ بودن از بوروکراسی پیچیده بخش دولتی و منفعت‌طلبی بخش خصوصی، این امکان را فراهم ساخته است تا در زمینه‌هایی چون مبارزه با فقر و گرسنگی، حفاظت از محیط زیست، جنگلداری، افزایش آگاهی‌های عمومی، رفاه، بهداشت جامعه و خانواده، توجه به امور زنان و کودکان و کاهش آسیب‌های اجتماعی، موفق‌تر از بخش‌های خصوصی و دولتی عمل کنند (محمدی، ۱۳۸۳، ۶۹). امروزه اهمیت توسعه کارآفرینی روستایی و نقش حیاتی آن در پیشبرد و توسعه کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال رشد، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. تاکنون به منظور دستیابی کشورهای در حال رشد به توسعه روستایی و کشاورزی، استراتژی‌های متفاوت و در مقاطع زمانی مختلف طرح و اجرا شده‌اند که در بسیاری از موارد نتوانسته‌اند اهداف توسعه را در این کشورها محقق سازند. یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت استراتژی‌های یادشده، عدم توجه به فعال‌سازی سرمایه‌های اجتماعی، توسعه منابع انسانی و توسعه مشارکت‌های جمعی و مردمی در میان روستاییان و کشاورزان بوده است (امیرانی و ظریفیان، ۱۳۸۲، ۱۱۷). توسعه کارآفرینی می‌تواند در رفع مشکلات فوق نقش اساسی ایفا کند و به‌عنوان استراتژی مناسب برای توسعه روستایی از طریق افزایش مشارکت‌های مردمی و فعال‌سازی سرمایه‌های اجتماعی و به‌کارگیری منابع انسانی موجود در منطقه موانع موجود در این زمینه را حل کند. سازمان‌های غیردولتی به عنوان نهادهای مردم‌محور و مشارکت‌گرا

می‌توانند نقشی مهم را در این زمینه ایفا کنند. در این میان می‌توان به شوراهای اسلامی روستاها و دهیاران اشاره کرد.

تحقیق حاضر با هدف بررسی عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستاها در توسعه کارآفرینی انجام شده و در پی یافتن پاسخ‌های مناسب و مستدل برای این سؤال است که «دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی تا چه اندازه در توسعه کارآفرینی روستایی مؤثر بوده‌اند؟» که برای رسیدن به پاسخ آن، سؤالات فرعی زیر مطرح شده‌اند و مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱- شوراهای اسلامی و دهیاران روستایی تا چه اندازه در توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه مؤثر بوده‌اند؟

۲- شوراهای اسلامی و دهیاران روستایی تا چه اندازه در ایجاد بسترهای فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه موفق بوده‌اند؟

۳- شوراهای اسلامی و دهیاران روستایی تا چه اندازه در شکل‌گیری بسترهای مالی و اقتصادی توسعه کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه موفق بوده‌اند؟

۴- شوراهای اسلامی و دهیاران روستایی تا چه اندازه در ایجاد انگیزه کارآفرینی در بین روستاییان منطقه مورد مطالعه موفق بوده‌اند؟

در این تحقیق برای یافتن پاسخ به سؤالات فوق از نظرهای روستاییان، مسئولان محلی و کارآفرینان استفاده شده است.

مبانی نظری

رسیدن به توسعه و اداره آن ایجاب می‌کند که نظام‌های خاصی، متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و اداری در هر جامعه به وجود آیند. نهادهای روستایی اعم از آنهایی که از محیط روستا برخاسته‌اند و یا بر آن تحمیل شده‌اند، اصولاً در چارچوب نظام‌های خاصی عمل می‌کنند. مفهوم نظام روستایی در ایران، قوانین مدون و تنسيق پیوندهایی است که در جامعه روستایی به منظور رعایت نظام سلسله‌مراتبی، بهره‌برداری بهینه از فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد

اصول صحیح در مناسبات اجتماعی (که در حد و حوصله فرهنگ جامعه روستایی است) و برقراری روابط دولت و روستا، طی سال‌های متمادی، شکل گرفته است. نظام‌های حاکم در محیط جغرافیایی روستاها عبارت‌اند از نظام‌های اداری، اقتصادی و اجتماعی (مهدوی، ۱۳۸۴، ۵). بر همین اساس در سیستم جدید مدیریتی کشور، مدیریت روستاها به شوراها و دهیاری‌ها سپرده شده است. مدیریت روستایی در فرایند توسعه روستایی یکپارچه و پایدار نقش اساسی دارد. مدیریت روستایی در واقع فرایند سازمان‌دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست. این سازمان‌ها و نهادها، ابزار یا وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی هستند، هدف‌هایی که مردم آنها را ترسیم می‌کنند و می‌پذیرند. همچنین مدیریت توسعه روستایی فرایند چندجانبه‌ای است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طرق تشکیلات و سازمان‌های روستایی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا می‌گردد و تحت نظارت و ارزش‌یابی قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳، ۲۱۱).

پایین بودن میزان آشنایی روستاییان با زمینه‌های اولیه کارآفرینی با شرایط خاص محیط‌های روستایی از جمله انزوای جغرافیایی، محرومیت، محدودیت فرصت‌ها و امکانات و خدمات اولیه و ضروری زیربنایی و ارتباطی مرتبط است. در تحقیق حاضر بیان شده است که آماده‌سازی محیط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نواحی روستایی از جمله تأمین و افزایش دسترسی روستاییان به امکانات و خدمات مختلف مانند امکانات رسانه‌ای و ارتباطی جدید می‌تواند در بروز کارآفرینی بسیار مهم باشد (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷، ۱۷۹-۱۸۰).

افتخاری و همکاران (۱۳۸۸) با نگاهی کلی و نظام‌مند به توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی، به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود مطالعات و تجربیات جهانی موجود در زمینه کارآفرینی بخش کشاورزی و شیوه‌ها و عوامل مؤثر در توسعه آن، تحول چندانی در این زمینه صورت نگرفته است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸، ۴۳-۷۲).

ایمانی جاجرمی و پوررجب (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای اشاره می‌کنند که اغلب دهیاران دارای

ویژگی‌های کارآفرینی به صورت بالقوه بودند و در مواردی نیز در برخی صفات، ضعف و کاستی داشتند که به منظور تحقق ویژگی‌های بالقوه مذکور، ایجاد بسترهای مناسب ضروری است. دهیار به مثابه مدیر روستایی می‌تواند با حمایت‌های دولتی، جلب مشارکت‌های مردمی، تعامل مثبت با شورا و سازمان‌های دولتی و همچنین حمایت‌های رسانه‌ای و نظایر اینها، نه تنها خدمات تازه‌ای را به جامعه روستایی ارائه دهد، بلکه با توجه به بیکاری موجود در جامعه روستایی و الزام قانونی دهیار به کمک در حل مشکل بیکاری، در این زمینه نیز می‌تواند مؤثر باشد (ایمانی جاجرمی و پوررجب، ۱۳۸۹، ۶۷-۹۸). کارآفرینی فرصت‌های جدیدی را برای کارآفرینان ایجاد می‌کند که می‌توانند درآمدشان را بهبود بخشند، دارایی و سرمایه خود را افزایش دهند و روی هم رفته استاندارد زندگی در جوامع روستایی را در نتیجه تشکیلات اقتصادی جدید در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط رشد دهند (Henly, 2002).

روستاها در عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده‌ای روبه‌رو هستند، از این‌رو تضمین و تداوم حیات و بقای روستاها نیازمند یافتن راه‌حل‌ها و روش‌های جدید مقابله با مشکلات هستند که به نوآوری، ابداع، خلق محصولات، فرایندها و روش‌های جدید بستگی زیادی دارد. برای نیل به این هدف، مدیران باید به نقش‌هایی روی آورند که متناسب با شرایط متحول محیطی باشند. بنابراین توسعه روستاها در مقایسه با گذشته، پیوند گسترده‌تری با مفهوم کارآفرینی دارد. در زمان حاضر مؤسسات و اشخاص صاحب‌نظر در توسعه روستایی، ایجاد کارآفرینی را به مثابه شیوه‌ای مداخله‌جویانه در توسعه می‌دانند که قادر است روند توسعه روستاها را تسریع بخشد. در این شیوه، به ضرورت ارتقای کارآفرینی در روستاها نیز توجه می‌شود، به گونه‌ای که آژانس‌های توسعه، کارآفرینی روستایی را همانند پتانسیلی برای ایجاد فرصت‌های وسیع شغلی تلقی می‌کنند. سیاست‌مداران آن را به عنوان راه‌حل اصلی جلوگیری از آشفستگی روستایی می‌شناسند، کشاورزان آن را به عنوان ابزاری برای بهبود درآمدهای کشاورزی در نظر می‌گیرند و زنان آن را به مثابه امکان کار در مجاورت منزل‌شان تلقی می‌کنند و این شیوه، استقلال، عدم وابستگی و کاهش نیاز شدید آنان را به حمایت‌های جامعه موجب می‌شود.

البته برای تمامی این گروه‌ها، ایجاد کارآفرینی و اشتغال، وسیله‌ای برای بهبود کیفیت زندگی افراد، خانواده‌ها و اجتماعات مورد نظر به شمار می‌رود که نتیجه تعامل آن ایجاد محیط و اقتصاد سالم است (پاسبان، ۱۳۸۳، ۲۸۱).

عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی

اساساً کارآفرینی را با دو عامل فرصت^۱ و تمایل^۲ به کارآفرین شدن تعیین می‌کنند. عوامل اصلی فرصت‌های محرک شامل توانایی‌های درونی کارآفرینانه، اقدام به سرمایه‌گذاری، سهولت ورود به بازار و محیط عمومی اقتصاد کلان می‌شوند. در توسعه کارآفرینی عوامل مختلفی تأثیرگذارند. این عوامل را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: ۱- عوامل فردی، و ۲- عوامل محیطی.

از دیدگاه آلیسون یک فعالیت کارآفرینی تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند ویژگی‌ها و انگیزه‌های فردی، آموزش، فرهنگ و آداب و رسوم، قوانین، سیاست‌ها و دانش فنی است که می‌تواند آثار و نتایج مختلفی را به لحاظ الگوهای رفتاری، اقتصادی، اجتماعی و جز اینها دربرداشته باشد (Alison, 1990, 166).

از دیدگاه لورد کیپانیدزه توسعه کارآفرینی روستایی به عامل فرهنگی - اجتماعی، محیطی و زیرساختی، اقتصادی و نهادی بستگی دارد.

عوامل فرهنگی و اجتماعی

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کارآفرینی در هر جامعه‌ای، فرهنگ حاکم بر آن جامعه است. فرهنگی که برای افراد کارآفرین ارزش قایل است، افراد زیادی را به کارآفرینی تشویق می‌کند.

1. opportunity
2. willingness

در خصوص فرهنگ کارآفرینانه^۱، جوامع می‌توانند سیاست‌هایی را ایجاد کنند تا رفتار کارآفرینانه تشویق شود؛ منظور این است که در کل، مردم یک جامعه یا اجتماع می‌توانند کمتر یا بیشتر کارآفرین شوند. رابطه‌ای قوی بین فرهنگ مردم و تمایل به کارآفرینی وجود دارد. برای شناسایی و درک پایه‌های اجتماعی یا فرهنگی یک اجتماع یا منطقه خاص، برای مثال در جامعه روستایی، می‌توان یک نقطه شروع مناسب برای ایجاد اقتصاد و جامعه کارآفرینانه فراهم کرد (Lordkipanidze, 2002, 47).

عوامل اجتماعی و فرهنگی از ابعاد فراموش‌شده کارآفرینی‌اند که ناشی از نگاه تک‌بعدی به کارآفرینی تا به امروز بوده است، زیرا فردی که به خلق ایده‌های نو می‌پردازد، دارای زمینه‌های اجتماعی، مانند ویژگی‌های خانوادگی، آداب و رسوم جامعه، میزان مشارکت و همکاری، دوستان و اقوام و همسایگان است که می‌توانند در دستیابی به موفقیت او را یاری کنند. به همین دلیل، آلیسون به ویژگی‌های اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری رفتار کارآفرینی تأکید دارد و آن را به صورت زیر بیان می‌کند: نقش‌های موجود در جامعه، تجربیات حاصل از زندگی، پیش‌زمینه‌های خانواده، سطح آموزش و آگاهی، طبقه اجتماعی و سازمان‌های دیوان‌سالاری (Alison, 1990, 8).

بنابراین، کارآفرینی به لحاظ اجتماعی، منافع و آثار مثبتی در جامعه روستایی دارد، زیرا موجب اشتغال می‌شود، اضطراب‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد و بهره‌برداری از منابع و فعال‌شدن آنها را برای بهره‌وری عظیم ملی فراهم می‌آورد. کارآفرینی، سود اجتماعی را از طریق دولت عاید جامعه می‌کند که به نوعی نشان‌دهنده توسعه اجتماعی-اقتصادی جامعه است. هرچه مشارکت جامعه در فعالیتهای کارآفرینی بیشتر باشد، سریع‌تر به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست می‌یابد (بهکیش، ۱۳۸۰، ۲۴۱-۲۴۸).

عوامل محیطی و زیرساخت‌ها

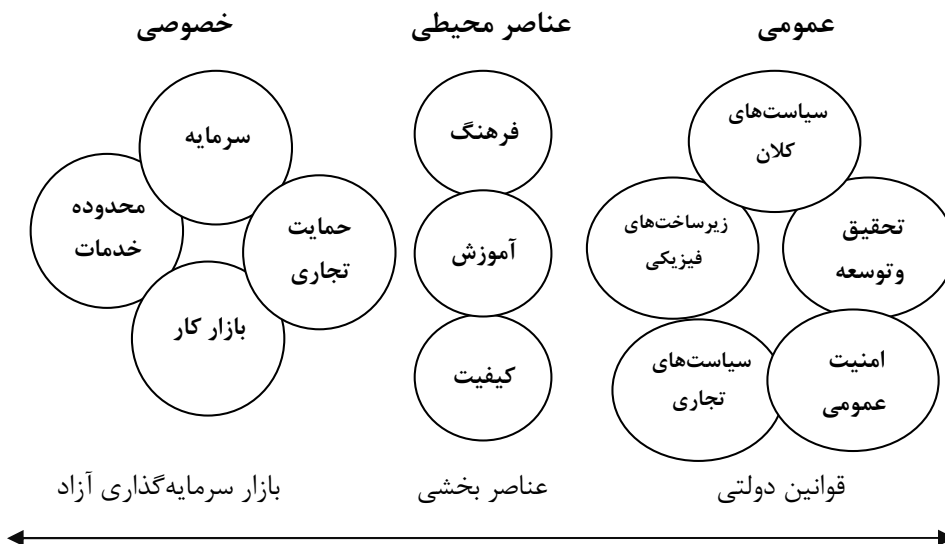
با افزایش توجه به منابع زیستی و نیازهای نسل‌های آتی در قالب نظریه توسعه پایدار، از دهه ۱۹۸۰ به بعد، لزوم در نظر گرفتن این بعد از توسعه و عوامل مؤثر آن در فرایند توسعه اهمیت بالایی یافت. کارآفرینی در محیط‌های روستایی نیز نمی‌تواند از این امر مستثنی باشد، زیرا جوامع روستایی به دلیل ماهیت وجودی و کارکردی و ساختاری خود، ارتباط تنگاتنگی با محیط پیرامون دارند. از طرف دیگر، کشاورزی به عنوان یکی از فعالیت‌های مهم روستایی در محیط طبیعی و در یک فضای باز و متأثر از عوامل طبیعی، مانند نوع خاک و اقلیم انجام می‌شود؛ در نتیجه، توجه به عوامل محیطی در توسعه کارآفرینی روستایی و کشاورزی اهمیت بالایی به منظور کاهش مخاطرات محیطی، استفاده مناسب از منابع و جز اینها دارد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۶).

فضای کارآفرینانه، محیط عمومی را که کارآفرینان در آنجا فعالیت می‌کنند، فراهم می‌آورد. زیرساخت‌های کارآفرینانه عناصری همچون، تسهیلات و امکانات زندگی (آب، برق و جز اینها)، خدمات، عوارض (مالیات) و قوانین و مقررات را فراهم می‌کند که برای کارآفرینان بسیار مهم است. حمایت‌های کارآفرینانه، شامل هدایت فعالیت‌های عمومی و خصوصی، مانند خدمات تجاری، تمرکز بر کارآفرینان، ایجاد محیط و زیرساخت‌های مثبت، ایجاد شبکه‌ها و تشکیل گروه‌های مشاور به منظور حمایت از کارآفرینان می‌شوند. در خصوص زیرساخت‌های کارآفرینانه، باید نیازهای خاص کارآفرینی که برای کارآفرینان مهم هستند، تأمین شود (ایمنی و هاشمی، ۱۳۸۸، ۹۷).

عوامل اقتصادی

امروزه در راهبردهای توسعه روستایی تجدیدنظر شده است و در بسیاری از مؤسسات ملی و بین‌المللی مجدداً بر کاهش فقر از طریق رشد اقتصادی تأکید می‌شود. به همین دلیل، توسعه اقتصادی در مناطق روستایی نیازمند راهبردهای جدیدی است که این امر با توسعه کارآفرینی

و تواناسازی سیاست‌های محیطی ممکن می‌شود (Davis, 2004, 12). بنابراین امروزه تلاش‌های مردم مناطق روستایی برای دستیابی به پایداری اقتصادی می‌تواند با استفاده از کارآفرینان محلی افزایش یابد، زیرا تمرکز بر منابع اقتصادی محلی از طریق توسعه کارآفرینی محلی یک از شیوه‌های توسعه اقتصادی این مناطق است (Heaton, 2005, 1).



شکل ۱. عوامل مؤثر بر جو (محیط) کارآفرینی روستایی

عوامل نهادی (سازمانی)

کارآفرینی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن نقش سازمان‌ها و نهادهای گوناگون انجام شود. زیرا هرگونه فعالیتی به نوعی به سازمان‌دهی و تشکیلات در سطوح مختلف، چه ملی و چه محلی، نیاز دارد. دولت، سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط آن، از جمله این نهادها هستند و از طرفی دیگر، نهادهای غیردولتی محلی هم که به صورت خودجوش شکل گرفته‌اند، دارای تأثیرگذاری

بالایی در رشد و گسترش فعالیت‌های کارآفرین‌اند. به همین علت از دیدگاه ما یا ارتباط پیچیده‌ای بین عناصر بخش عمومی و خصوصی و فعالیت‌هایی که همگی با هم به کارآفرینی منجر می‌شوند، وجود دارد (Lordkipanidze, 2002, 30). اصولاً برای ایجاد کارآفرینی مؤثر روستایی باید به ترکیبی از عوامل مؤثر توجه کرد تا تأثیرگذاری آن در محیط روستا بیشتر نمود یابد. به همین علت امروزه، نگاه کل‌گرا و یکپارچه در برنامه‌ریزی‌ها نشان می‌دهد که نگاه چرخشی در توسعه کارآفرینی روستایی بیش از نگاه خطی تک‌بعدی مؤثر است.

روش تحقیق

تحقیق انجام‌شده از نوع کاربردی و روش انجام آن از نوع توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه و پرسش‌نامه‌اند که حاوی ۵۱ سؤال است. تعداد ۵ سؤال از سؤالات آن در خصوص اطلاعات جمعیتی از قبیل سن، جنس، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی و نوع شغل را مشخص کند و ۴۶ سؤال دیگر میزان تأثیر فعالیت‌های دهیاران و شوراهای اسلامی روستاها را بر شاخص‌های کارآفرینی مورد سنجش قرار می‌دهد. این سؤالات به صورت چندگزینه‌ای‌اند و در قالب مقیاس لیکرت طراحی شده‌اند. به منظور تکمیل اطلاعات از مصاحبه، مشاهده و مطالعات کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است. قبل از انجام تحقیق، روایی و پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ (۸۷ درصد) و همچنین با استفاده از نظر صاحب‌نظران و کارشناسان کارآفرینی بررسی و تأیید شد.

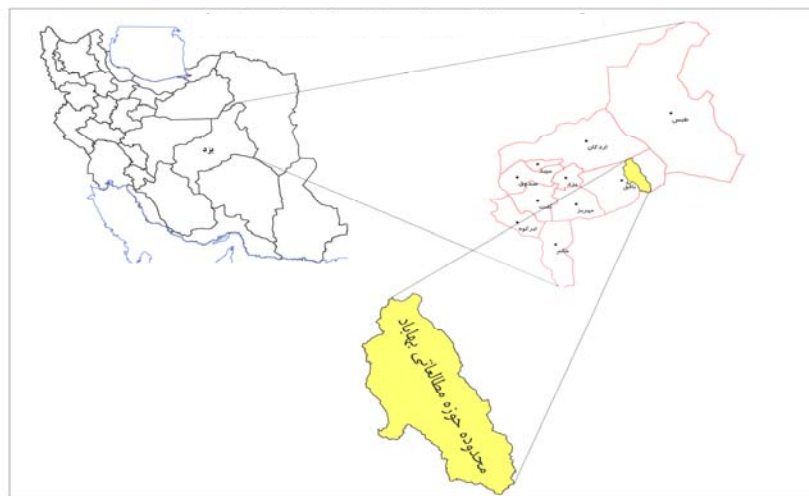
جامعه آماری تحقیق مردم محلی روستاهای بهاباد، کارآفرینان و کارشناسان مدیران محلی بوده‌اند. با توجه به گستردگی جامعه آماری تحقیق، نمونه آماری براساس فرمول کوکران انتخاب گردید که برابر با ۱۴۳ نفر است. از بین کارشناسان و صاحب‌نظران نیز ۴۵ و از کارآفرینان نیز تعداد ۳۰ نفر انتخاب شده‌اند. روش انتخاب نمونه تحقیق نیز به صورت طبقه‌بندی دومرحله‌ای بوده و برای سنجش متغیرها از آزمون χ^2 استفاده شده است.

جدول ۱. گویه‌های مورد استفاده برای سنجش عملکرد دهیاران و شوراهای اسلامی روستاها

کمک به ایجاد زیرساخت‌های لازم آموزشی و مشاوره‌ای در زمینه کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای جدید	گویه‌های استفاده شده برای سنجش پرسش اول
کمک به شکل‌گیری و ایجاد تشکل‌ها، اتحادیه‌ها و اصناف تخصصی در حوزه‌های مختلف کسب‌وکار	
پیگیری و کمک به ایجاد و بهبود زیرساخت‌های فیزیکی روستاها (همچون جاده‌ها و راه‌های ارتباطی روستاها)	
پیگیری و کمک به ایجاد و بهبود زیرساخت‌های عمومی روستاها (همچون آب، برق و گاز روستاها)	
پیگیری و کمک به ایجاد و بهبود زیرساخت‌های تکنولوژیکی روستاها (همچون IT و ICT در روستاها)	
کمک به روستاییان برای دسترسی آسان به تکنولوژی‌های مدرن و خدمات فنی و تخصصی (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری)	گویه‌های استفاده شده برای سنجش پرسش دوم
برگزاری آموزش‌های بازاریابی برای روستاییان منطقه مرتبط با فعالیت‌های موجود	
برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای جدید	
استقبال هر چه بهتر روستاییان و مدیران محلی از ایده‌های نو	
تغییر نگرش روستاییان منطقه نسبت به افراد ورشکسته	
نگرش مثبت روستاییان منطقه نسبت به افراد سرمایه‌دار	گویه‌های استفاده شده برای سنجش سوال سوم
استقبال بهتر روستاییان از افراد خلاق و نوآور	
کمک به ایجاد و راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید با جذب حمایت‌های مالی	
کمک به تسهیل اعطای تسهیلات از سوی بانک‌ها به روستاییان برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید	
ایجاد سازوکارهای لازم و تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای جدید روستایی	
تشویق و کمک به سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای جدید روستایی	گویه‌های استفاده شده برای سنجش پرسش چهارم
ایجاد سازوکارهای لازم برای اعطای وام با بهره پایین از سوی بانک‌ها و مؤسسات به طرح‌های نو روستایی	
کمک به جذب سرمایه‌گذاری‌های دولتی برای ایجاد فرصت‌های جدید شغلی	
تشویق و فعال کردن سرمایه‌گذاران محلی برای حمایت از صاحبان ایده‌های نو در روستاها	
تشویق روستاییان به استقبال از طرح‌ها و ایده‌های نو	
نگرش مثبت نسبت به افراد سرمایه‌دار	گویه‌های استفاده شده برای سنجش پرسش چهارم
نگرش مثبت نسبت به افراد خلاق و نوآور	
کمک به افزایش مسئولیت‌پذیری روستاییان	
ارتقای فعالیت‌های گروهی و مشارکتی در بین روستاییان	
افزایش زمینه‌های فعالیت زنان و دختران روستایی	
افزایش شانس مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرا	
افزایش میزان اعتماد به نفس در روستاییان، خصوصاً در بین جوانان روستایی	

منطقه مورد مطالعه

منطقه و محدوده مورد مطالعه از نظر مکانی، روستاهای بخش بهاباد شهرستان بافق در استان یزد و از نظر زمانی محدوده مورد مطالعه شامل سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ می‌شود.



شکل ۲. موقعیت بخش بهاباد در کشور، استان و شهرستان بافق

یافته‌های تحقیق

در این قسمت یافته‌های توصیفی تحقیق با توجه به سؤالات و اهداف تحقیق و ترکیب جامعه آماری مورد مطالعه، ارائه می‌گردد.

- ویژگی‌های جمعیتی جامعه آماری

در جدول ۲ و ۳ ویژگی‌های جمعیتی جامعه آماری شامل ترکیب جنسی و وضعیت تحصیلی مردم محلی، کارآفرینان و مسئولان محلی ارائه شده است.

جدول ۲. ترکیب نمونه آماری تحقیق (مردم محلی) بر حسب جنسیت و روستای محل سکونت

دهستان	مرد		زن		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جلگه	۵۰	۵۱/۰	۲۳	۵۱/۱	۷۳	۵۱
بنستان	۱۸	۱۸/۴	۱۲	۲۶/۷	۳۰	۲۱
آسفیج	۳۰	۳۰/۶	۱۰	۲۲/۲	۴۰	۲۸
جمع کل	۹۸	۱۰۰	۴۵	۱۰۰	۱۴۳	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

جدول ۳. وضعیت تحصیلی نمونه تحقیق (مردم محلی) بر حسب جنس

سطح تحصیلات	مردم محلی			کارآفرینان			مسئولین		
	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع
بی سواد	۳	۱	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ابتدایی	۱۵	۳	۱۸	۴	۰	۴	۰	۰	۰
راهنمایی	۱۳	۷	۲۰	۳	۲	۵	۰	۰	۰
دیپلم	۲۰	۱۱	۳۱	۶	۲	۸	۵	۱	۶
فوق دیپلم	۱۹	۷	۲۶	۳	۱	۴	۱۲	۳	۱۵
لیسانس و بالاتر	۲۸	۱۶	۴۴	۷	۲	۹	۲۰	۴	۲۴
جمع	۹۸	۴۵	۱۴۳	۲۳	۷	۳۰	۳۷	۸	۴۵

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

• تأثیر نهادی محلی بر زیرساخت‌های توسعه کارآفرینی

درخصوص بررسی تحقیق سعی شده است تا هر یک از سؤالات با استفاده از گویه‌های مختلف (براساس جدول ۱) از نظر سه گروه آماری تحقیق مورد بررسی قرار گیرند که نتایج حاصل به شرح زیر هستند:

سنجش میزان تأثیرگذاری عملکرد دهیاران و شوراهای اسلامی در توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی روستاها با استفاده از گویه‌های جدول ۱، از نظر سه گروه نشان می‌دهد که در حدود

۶۲/۳ درصد از مردم محلی، ۴۶/۷ درصد از کارآفرینان و ۶۰ درصد از مسئولان موفقیت دهیاران و شوراهای اسلامی در زمینه جذب منابع مالی برای کارآفرینی در روستاهای منطقه را در حد زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. میزان تأثیر عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی بر توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی

جمع	مستولان و کارشناسان محلی		کارآفرینان		مردم محلی		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
بسیار کم	۱۷	۱۳/۳	۶	۶/۷	۲	۶/۳	۹
کم	۲۷	۲۰	۹	۱۳/۳	۴	۹/۸	۱۴
متوسط	۵۱	۲۲/۲	۱۰	۳۳/۳	۱۰	۲۱/۷	۳۱
زیاد	۶۶	۲۰	۹	۱۶/۷	۵	۳۶/۴	۵۲
بسیار زیاد	۵۷	۴۰	۱۸	۳۰	۹	۲۵/۹	۳۷
جمع	۲۱۸	۱۰۰	۴۵	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۴۳

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

جدول ۵. تأثیرگذاری نهادهای محلی در توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	ارزش	آزمون از نظر گروه
۰/۰۰۰	۳	۳/۹۴	گروه اول (مردم محلی)
۰/۰۰۲	۳	۱۴/۵۳	گروه دوم (مستولان)
۰/۲۶۸	۲	۲۳/۴	گروه سوم (کارآفرینان)

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

همان‌طور که در جدول ۵ مشخص است نتیجه حاصل از میانگین مجموع گویه‌ها با استفاده از آزمون X^2 نشانگر آن است که از نظر مردم محلی و مسئولان تأثیر دهیاران در توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی در روستاها معنادار بوده، ولی از نظر کارآفرینان این تأثیر معنادار نبوده است.

• تأثیر دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در ایجاد بسترهای فرهنگی و اجتماعی کارآفرینی در تحقیق حاضر برای بررسی و مطالعه میزان تأثیر عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در ایجاد بسترهای فرهنگی و اجتماعی از گویۀ مورد اشاره در جدول ۱ استفاده شده است.

جدول ۶. میزان تأثیر عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی بر ایجاد بسترهای فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه کارآفرینی

جمع کل	مسئولان و کارشناسان محلی		کارآفرینان		مردم محلی		
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۳	۱۵/۶	۷	۶/۷	۲	۹/۸	۱۴	بسیار کم
۲۹	۱۱/۱	۵	۱۶/۷	۵	۱۳/۳	۱۹	کم
۴۲	۱۵/۶	۷	۳۰	۹	۱۸/۲	۲۶	متوسط
۶۶	۲۸/۹	۱۳	۲۶/۷	۸	۳۱/۵	۴۵	زیاد
۵۸	۲۸/۹	۱۳	۲۰	۶	۲۷/۳	۳۹	بسیار زیاد
۲۱۸	۱۰۰	۴۵	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۴۳	جمع

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

با توجه به نتایج حاصل از جدول، تأثیر عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی از نظر عوامل فرهنگی و اجتماعی در حد بالایی است. در این خصوص ۵۸/۸ درصد از مردم محلی میزان تأثیرگذاری در این زمینه را در حد زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند. از نظر کارآفرینان نیز تأثیرگذاری در زمینه مسائل فرهنگی و اجتماعی در حد مناسبی بوده است، به طوری که در حدود ۴۷ درصد از آنها این تأثیرگذاری را در حد زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند. مسئولان محلی نیز همچون دو گروه دیگر میزان تأثیر فعالیت‌های عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در زمینه عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر کارآفرینی را در حد خوبی ارزیابی کرده‌اند، به طوری که در حدود ۵۸ درصد از آنها نظرشان در این خصوص زیاد و بسیار زیاد بوده است.

جدول ۷. تأثیرگذاری نهادهای محلی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی کارآفرینی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	ارزش	آزمون از نظر گروه
۰/۰۰۰	۳	۴۹/۷۷	گروه اول (مردم محلی)
۰/۰۰۱	۲	۱۵	گروه دوم (مسئولان)
۰/۰۰۸	۳	۱۱/۸۶	گروه سوم (کارآفرینان)

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

نتیجه حاصل از میانگین مجموع گویه‌های با استفاده از آزمون X^2 نشانگر آن است که از نظر مردم محلی، کارآفرینان و مسئولان، تأثیر دهیاران در توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی در روستاها معنادار بوده است.

• تأثیر دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در جذب منابع مالی و اقتصادی برای کارآفرینی میزان تأثیرگذاری عملکرد دهیاران و شوراهای اسلامی روستاها در شکل‌گیری بسترهای مالی و اقتصادی توسعه کارآفرینی در روستاهای منطقه از نظر مردم محلی، کارشناسان و کارآفرینان با استفاده از گویه‌های اشاره شده در جدول ۸ مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۸. میزان تأثیر عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی بر توسعه کارآفرینی از نظر جذب منابع مالی و اقتصادی

مسئولان و کارشناسان محلی		کارآفرینان		مردم محلی		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۳/۳	۶	۲۶/۷	۸	۱۳/۳	۱۹	بسیار کم
۱۱/۱	۵	۳۰	۹	۱۹/۵	۲۸	کم
۲۴/۴	۱۱	۱۶/۷	۵	۲۱	۳۰	متوسط
۳۱/۱	۱۴	۱۶/۷	۵	۲۵/۲	۳۶	زیاد
۲۵	۹	۱۰	۳	۲۱	۳۰	بسیار زیاد
۱۰۰	۴۵	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۴۳	جمع

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

همان‌طور که در جدول ۸ مشخص شده است، در حدود ۴۶ درصد از مردم محلی، ۲۶/۷ درصد از کارآفرینان و ۵۶/۱ درصد از مسئولان موفقیت دهیاران و شوراهای اسلامی را در جذب منابع مالی برای کارآفرینی در روستاهای منطقه در حد زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۹. تأثیرگذاری نهادهای محلی در توسعه تأمین منابع مالی کارآفرینی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	ارزش	آزمون از نظر گروه
۰/۸۱	۳	۴/۸۷	گروه اول (مردم محلی)
۰/۰۴۹	۳	۷/۸۷	گروه دوم (مسئولان)
۰/۶۳۰	۳	۱/۷۳	گروه سوم (کارآفرینان)

• تأثیر دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در ایجاد انگیزه کارآفرینی در بین روستاییان نتیجه حاصل از میانگین مجموع گویه‌ها با استفاده از آزمون X^2 ، همان‌طور که در جدول ۹ نیز مشخص است، نشانگر این است که از نظر مردم محلی و کارآفرینان، دهیاران در جذب منابع مالی محلی و فرامحلی برای توسعه کارآفرینی روستایی موفق نبوده‌اند، ولی از نظر مسئولان معنادار بوده است. برای سنجش میزان تأثیر فعالیت و برنامه‌های دهیاران و شوراهای بر ایجاد انگیزه کارآفرینی در بین روستاییان، با استفاده از گویه‌های جدول ۱۰ مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱۰. میزان تأثیر عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی از نظر تغییر نگرش نسبت به کارآفرینی و ارتقای رفتارهای کارآفرینانه

جمع کل	مسئولان و کارشناسان محلی		کارآفرینان		مردم محلی		
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۴	۱۳/۳	۵	۶/۷	۲	۴/۹	۷	بسیار کم
۲۸	۲۰	۱۰	۶/۷	۲	۱۱/۱	۱۶	کم
۴۶	۲۲/۲	۸	۲۰	۶	۲۲/۳	۳۲	متوسط
۶۸	۲۰	۱۱	۳۰	۹	۳۳/۵	۴۸	زیاد
۷۳	۴۰	۱۸	۳۶/۶	۱۱	۳۰/۷	۴۴	بسیار زیاد
۲۱۸	۱۰۰	۴۵	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۴۳	

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

با توجه به نتایج جدول فوق مشخص شده است که در حدود ۶۴/۲ درصد از مردم محلی، ۶۶/۶ درصد از کارآفرینان و ۶۰ درصد از مسئولان موفقیت دهیاران و شوراهای اسلامی در زمینه تغییر نگرش نسبت به کارآفرینی و ارتقای رفتارهای کارآفرینانه را در روستاهای منطقه در حد زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۱۱. تأثیرگذاری نهادهای محلی در افزایش و تقویت روحیه و انگیزه کارآفرینی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	ارزش	آزمون از نظر گروه
۰/۰۰۲	۳	۱۴/۵۷	گروه اول (مردم محلی)
۰/۰۰۱	۳	۱۶/۶۶	گروه دوم (مسئولان)
۰/۰۴۶	۳	۹/۶۶	گروه سوم (کارآفرینان)

با توجه به نتایج حاصل از میانگین مجموع گویه‌ها مشخص می‌شود که از نظر مردم، کارآفرینان و مسئولان محلی، برنامه‌ها و فعالیت‌های دهیاران در تغییر نگرش به کارآفرینی و ارتقای رفتارهای کارآفرینانه در روستاییان در اثر فعالیت‌های کارآفرینانه مؤثر بوده است.

جدول ۱۲. آزمون نهایی تأثیر نهادهای محلی در توسعه کارآفرینی روستایی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	ارزش	آزمون از نظر گروه
۰/۰۰۰	۳	۲۵	گروه اول (مردم محلی)
۰/۰۰۳	۳	۱۸/۲	گروه دوم (مسئولان)
۰/۰۰۷	۳	۱۱	گروه سوم (کارآفرینان)

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه $\alpha = 0.05 > P - Value = 0.000$ است، داده‌ها نشان می‌دهند که فعالیت دهیاران و شوراهای اسلامی در روستاهای منطقه منجر به توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی شده است. از این روی براساس نتیجه حاصل از میانگین مجموع گویه‌ها با استفاده از آزمون X^2 می‌توان گفت که از نظر مردم محلی، مسئولان و کارآفرینان نهادهای محلی در زمینه ایجاد بسترهای کسب‌وکار و توسعه کارآفرینی در روستاهای منطقه عملکرد مثبتی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

توسعه کارآفرینی در روستاها به عنوان یکی از بخش‌های مولد، حیاتی و خودکفای کشور که بیش از ۳۰ درصد جمعیت را در خود جای داده است، بسیار مهم و اجتناب‌ناپذیر است. برای توسعه کارآفرینی، اجرای سیاست گسترش مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه، می‌تواند نقش مؤثر و بسزایی داشته باشد. به خاطر بسترها و قابلیت‌هایی که در محیط روستایی وجود دارند، توانایی تشکیل و سازمان‌دهی نهادهای مردمی در زمینه‌ها و موضوعات متعدد کاملاً فراهم است. سازمان‌ها و تشکلهای غیردولتی (چه NGOهای ملی و چه NGOهای محلی) به عنوان نهادهایی که نماینده بهره‌برداران و آحاد مختلف مردم در بخش روستایی و کشاورزی هستند، ابزار بسیار مؤثری برای اعمال سیاست‌های توسعه کارآفرینی به حساب می‌آیند و می‌توانند در زمینه رعایت حقوق شهروندی و پاسخ‌گویی به نیازها، مطالبات و انتظارات برآورده‌نشده اقشار مختلف، زمینه نوآوری و کارآفرینی را در بخش‌های مختلف ایجاد کنند. همچنین فعالیت آنها می‌تواند موجب افزایش شفافیت، کاهش فساد اداری، کوچک‌سازی، ساده‌سازی مقررات و نهایتاً افزایش کارایی و اثربخشی مدیریت دولتی در بخش توسعه روستایی شود. احیا، اصلاح و یا ایجاد چنین تشکلهای مردمی و بومی (در روستاها و در سطح کلان کشور) عملاً به مفهوم گسترش مردم‌سالاری، واگذاری کار به مردم، تخفیف هزینه‌ها و مسئولیت‌های دولت در قبال مدیریت روستاها و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در فعالیتهای عمرانی و توسعه‌ای روستاهاست که در نهایت می‌تواند منجر به توسعه زیرساخت‌ها، شرایط و ویژگی‌های کارآفرینی در روستاها گردد.

نتایج حاصل از تحقیق نشانگر این است که دهیاران و شوراهای اسلامی در زمینه توسعه کارآفرینی روستایی عملکرد نسبتاً موفق داشته‌اند. در واقع از نظر مردم و مسئولان محلی، فعالیتهای دهیاران و شوراها زمینه‌های لازم را برای توسعه کارآفرینی روستایی، از جمله زیرساخت‌های کارآفرینی و فرهنگ و نگرش کارآفرینانه تا حدودی فراهم کرده است و عملکرد دهیاران و شوراها در این موارد پذیرفتنی بوده است.

منابع

- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، مهدی طاهرخانی و حمدالله سجاسی قیداری، ۱۳۸۸، تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزان مناطق روستایی: مطالعه شهرستان خدابنده، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۴۳-۷۲.
- امیرانی و ظریفیان، محمدهادی و شاپور، ۱۳۸۲، نقش سازمان‌های غیردولتی در روند ترویج و توسعه روستایی، ماهنامه جهاد، شماره ۲۵۷، خرداد و تیر.
- ایمانی جاجرمی، حسین و پیمان پوررجب، ۱۳۸۹، سنجش و تحلیل ویژگی‌های کارآفرینی دهیاران با تأکید بر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن، مطالعه موردی: دهیاران و روستاهای شهرستان میاندوآب، پژوهش‌های روستایی، شماره اول، صص ۶۷-۹۷.
- ایمنی، سیاوش، هاشمی، سیدسعید، ۱۳۸۸، نقش کارآفرینی در توسعه پایدار گردشگری، مجله کار و جامعه، شماره ۱۰۶-۱۰۷، صص ۹۵-۱۰۶.
- پاسبان، فاطمه، ۱۳۸۳، نقش زنان کارآفرین در توسعه روستایی کشورهای در حال توسعه، مجموعه مقالات گنگره توسعه روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، صص ۲۸۱-۳۰۰.
- رضوانی، محمدرضا و محمد نجارزاده، ۱۳۸۷، بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان برآآن جنوبی استان اصفهان، مجله توسعه کارآفرینی، شماره دوم، صص ۱۶۱-۱۸۲.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، نشر قومس.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، سجاسی قیداری، حمداله، ۱۳۸۹، توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی، تهران، انتشارات سمت.
- سعیدی، محمدرضا، ۱۳۸۱، موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- قلفی، محمد و وحید، ۱۳۸۴، رویکرد شبکه‌سازی در سازمان‌های غیردولتی، ماهنامه صالحین روستا، شماره ۲۶۶، فروردین ۱۳۸۴.
- متقی‌زاده، محمدحسن، ۱۳۸۰، سازمان‌های غیردولتی نهادی برای سازمان‌دهی مشارکت در جامعه مدنی، مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، تهران.

سیدسعید هاشمی و همکاران ————— تبیین نقش دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی

محمدی، محمد، ۱۳۸۳، سازمان‌های غیردولتی (NGOs): تعاریف و طبقه‌بندی‌ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۴۲-۴۱، دانشگاه علامه طباطبایی.

مقیم‌سیدمحمد، ۱۳۸۴، کارآفرینی در سازمان‌های دولتی، نشر فراندیش، تهران.

مهدوی، مسعود و علی‌اکبر نجفی کانی، ۱۳۸۴، دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستایی ایران، نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳، صص ۲۱-۳۹، تهران.

Alison, M., 1990, **Entrepreneurship: An International Perspective**.

Davis, J., 2004, **Guide to Rural Economic and Enterprise Development**, Working paper, November, Available at: www.gtz.de.

Heaton, J., 2005, **Developing Entrepreneurs: An Examination of Systematic Approach's to Entrepreneurial Development for Rural Areas**, Illinois Institute for Rural Affairs, Rural Research Report.

Henly, A., 2002, **Job Creation by the Self-employed: The Roles of Entrepreneurial and Financial Capital**, Small Business Economics, 25, PP. 175-196.

Kuratko, Donald F., Hadgjets, Richard M., 2004, **Entrepreneurship Theory, Process and Practice**, 6th edition, Pub, South-Western, U.S.A.

Lordkipanidze, Maia, Han Brezet, Mikael Backman, 2005, **The Entrepreneurship Factor in Sustainable Tourism Development**, Journal of Cleaner Production 13; PP. 787- 798.

Mohapatra, Sandeep, Scott Rozelle and Rachel Goodhue, 2007, **The Rise of Self-Employment in Rural China: Development or Distress?**, World Development, Vol. 35, No. 1, PP. 163- 181.

Streeten, Paul, 1997, **Nongovernmental Organization and Development**, the annals of the American Academy of political & social science, Vol. 554, PP. 193.

Vaillant, Yancy, Esteban Lafuente, 2007, **Do Different Institutional Frameworks Condition the Influence of Local Fear of Failure and Entrepreneurial Examples over Entrepreneurial Activity?**, Journal of Entrepreneurship and Regional Development, Vol. 19, Issue 4, PP. 313- 337.